

صدای زمانه (جامعه‌شناسی شخصیت زن در رمان بعد از انقلاب)

کارولینا راکوویتسکا عسگری و عسگر عسگری حسنلو، تهران: نشر اختران، ۱۳۹۵ (چاپ اول)، تعداد صفحه ۳۳۶،
سیده مریم عاملی رضایی دانشیار^۱

معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن

ساختار کتاب: کتاب در پنج فصل نگاشته شده است: فصل یکم رمان و جامعه‌شناسی رمان که در آن به بررسی تعاریف و کلیات رمان و جایگاه فرد و اجتماع در رمان پرداخته است؛ فصل دوم شخصیت‌پردازی در رمان تحت پنج عنوان برخورد سنتی با شخصیت، جستاری در نظریه‌های جدید شخصیت، روش‌های شخصیت‌پردازی، چگونگی تعامل شخصیت و جامعه در رمان و هویت روایتی شکل گرفته است؛ فصل سوم رمان فارسی که شامل رمان فارسی و تحولات سریع آن بعد از انقلاب و سیر گسترش شخصیت‌های فردیت یافته در رمان بعد از انقلاب است؛ فصل چهارم سیر هویت زن در رمان فارسی؛ فصل پنجم بررسی رمان‌های برگزیده شامل دو بخش است: ۱. عوامل سنتی شخصیت‌پردازی زن در رمان‌های برگزیده شامل *جای خالی سلوچ، طوبا و معنای شب، دل فولاد، جزیره سرگردانی، نیمه غایب، ساربان سرگردان، چراغها را من خاموش می‌کنم، پرنده من، عادت می‌کنیم، سرخی تراز من* ۲. عوامل جامعه‌شناختی شخصیت‌پردازی زن در رمان‌های برگزیده که در شش بخش تحولات اجتماعی، وقایع اجتماعی-تاریخی، نقش‌پذیری شخصیت در جامعه، برخورد شخصیت با افراد گوناگون، عوامل بازدارنده زن در جامعه و تقابل شخصیت درونی و شخصیت اجتماعی طبقه بندی شده است؛ فصل هفتم چند صدایی رمان بعد از انقلاب و فصل هشتم نتیجه‌گیری و جمع‌بندی است و در انتها نیز فهرست منابع آمده است.

ویژگی‌های فنی اثر: طرح جلد بسیار ساده است و می‌توانست بهتر طراحی شود. قطع کتاب و نوع و اندازه قلم مناسب است. نکته‌ای که در صفحه‌آرایی به چشم می‌خورد، تعداد زیاد سطرها در هر صفحه است. ارجاع دهی در اثر مناسب است و ارجاعات به شکل مستقیم و غیر مستقیم به خوبی رعایت شده است.

ویرایش و نگارش ادبی: در ارجاعات، اصرار نویسنده در ارجاع دهی به منابع انگلیسی خصوصاً در فصل اول و بحث کلیات وجود دارد. در برخی موارد ترجمه فارسی این آثار موجود است؛ مثل ارجاع به برادبری، آبرامز، باختین صفحه

^۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. rezaei-m53@yahoo.com

۱۶ به بعد. در برخی موارد هم اصلاً جمله نقل قول شده حائز اهمیت چندانی نیست و بیشتر شبیه منبع تراشی است؛ مانند جمله‌ای که به نقل از استاندال در آیین‌سانی رمان به نقل از منبع انگلیسی «رمان واقع‌گرا» از دنیس والدِر و دیگران آورده است: «این شباهت‌ها باعث شده است که رمان به سان آیین و واقعیت تلقی شود یا به گفته استاندال «آیین‌ای در گذر از بزرگراه» (عسگری ۱۳۹۵: ۲۷) از آنجا که در قریب به اتفاق این نقل قول‌ها هیچ نکته تازه‌ای به چشم نمی‌خورد، ارزش چندانی به لحاظ علمی ندارند و شاید شایسته‌تر می‌بود ارجاع به منبع اصلی حاوی نکته تازه‌ای باشد که در منابع فارسی یافت نمی‌شود.

متأسفانه تکیه فراوان بر نقل قول به‌ویژه در فصول اول تا چهارم هم سبب پراکنده‌گویی و تشتت در نوشتار و هم موجب حشو و تکرار شده است. در بسیاری موارد نیز زبان و نثر اثر شیوا نیست و گونه‌ای زبان ترجمه بر آن حاکم است. به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود:

«در ادامه درباره پژوهش اول لوکاچ - نظریه رمان - و جایگاه برجسته‌ای که در آن برای شخصیت قائل شده است سخن خواهیم گفت اما اکنون لوکاچ بیشتر به‌عنوان پیشگام جامعه‌شناسی ادبیات از دیدگاه مارکسیستی مورد نظر ماست» (همان: ۲۸). توضیحات حشوگونه از این دست در کتاب بسیار زیاد است. خصوصاً در ابتدا و انتهای فصل‌ها. «همچنان‌که می‌بینیم لوکاچ اعتقادات نویسنده را جدا از «ژرفای راستین جهان‌نگری» او و جدا از درک واقعیت می‌داند. این نظریه ظاهراً به نظریه چند صدایی باختین شباهت دارد اما در واقع نظر لوکاچ بیشتر به خصلت جمعی آفرینش اثر ادبی توجه دارد» (همان: ۳۰). اظهار نظرهای نویسنده که گاه نادرست و نشان از درک ناکامل نظریه است در کتاب به چشم می‌خورد. علاوه بر موارد فوق بنگرید صفحات ۳۱ و ۳۴ گرچه این اشکال محتوایی به نظر می‌رسد اما به لحاظ ابعاد صوری، پرش مدام نویسنده از یک مطلب به مطلب دیگر متن را با انبوهی از شواهد گسسته و پراکندگی نامناسب مواجه کرده است. پراکندگی متن تا حدی به ارجاعات متعدد بستگی دارد که متن را در حد گردآوری تنزل داده است؛ از جمله صفحات ۴-۵-۲۹-۱۶-۲۰-۴۷-۴۲. گاه در یک صفحه چهار یا پنج ارجاع به چشم می‌خورد.

تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

ارزیابی نظم منطقی و انسجام اثر و استحکام تحلیل‌ها

گرچه نام اثر «جامعه‌شناسی شخصیت زن بعد از انقلاب» است تا صفحه ۱۰۰ یعنی انتهای فصل چهارم درباره زنان مطلبی ذکر نشده است. این چهار فصل شامل مطالب تکراری درباره رمان است که اگر حذف می‌شد هیچ خللی به پژوهش وارد نمی‌شد. چنان‌که ذکر شد پراکندگی و تشتت مفاهیم، ارجاعات مکرر و نارسا بودن نثر از عیوب این چهار

فصل است. مدعای کتاب در مقدمه آن است که می‌خواهد «نقش عوامل جامعه شناختی شخصیت پردازی در رمان بعد از انقلاب را در شکل‌گیری رمان چند صدایی بررسی کند» (عسگری ۱۳۹۵: ۱۰) درحالی‌که این مدعا با عنوان کتاب متفاوت است. همین تشتت در متن نیز به چشم می‌خورد و تکلیف نویسنده روشن نیست که آیا فقط هدف، بررسی شخصیت زنان است یا به شخصیت پردازی به‌طور کلی پرداخته است؟ بحثی که در فصل دوم ذیل عنوان شخصیت پردازی در رمان طرح شده است بسیار شتابزده و ناکامل است. در این فصل ذیل عنوان برخورد سنتی با شخصیت به شکلی بسیار اجمالی در دو صفحه به نظریات ارسطو و فورستر اشاره می‌شود سپس ذیل عنوان «جستاری در نظریه‌های جدید شخصیت» مطالب پراکنده‌ای بدون دسته‌بندی و سیر منطقی یا تاریخی ارائه می‌شود. نکته قابل توجه آن است که نویسنده در تمام کتاب از عوامل سنتی شخصیت پردازی یا برخورد سنتی با شخصیت انتقاد می‌کند. ایشان عوامل سنتی یا تقسیم‌بندی‌های سنتی شخصیت را کافی نمی‌داند و می‌نویسد: «ما بر این عقیده‌ایم که در بررسی شکل کامل رمان معاصر، به‌کارگیری تقسیم‌بندی‌های سنتی درباره شیوه شخصیت پردازی بسنده نیست و برای تکمیل آنها اندکی وسعت دید در نقش‌پذیری شخصیت‌ها در جامعه رمان بسیار یاری‌رسان است بنابراین در این فصل از یک طرف تعامل و ارتباط متقابل شخصیت و جامعه و از طرف دیگر «هویت روایتی» یعنی پیوند شخصیت اجتماعی با شخصیت درونی و حقیقت‌نمایی آن را بررسی می‌کنیم» (همان: ۵۳).

متأسفانه اشتباهی که نویسنده در این کتاب گرفتار آن است عدم تفکیک میان شخصیت پردازی در رمان رئالیستی و رمان مدرن و پست مدرن است. نمونه‌هایی که ایشان در بخش‌هایی مانند صفحه ۵۷ جستاری در نظریه جدید شخصیت و هویت روایتی (صفحات ۶۸-۷۰) ذکر می‌کنند، به داستان‌های مدرن و پست‌مدرن مربوط است اما این کتاب که با رویکرد رئالیستی و نقد جامعه‌شناختی نوشته شده، عملاً نمی‌تواند از ظرفیت این تعاریف استفاده کند و به‌رغم ادعاهای طرح شده در همان سطح بررسی سنتی شخصیت با رویکرد جامعه‌شناسی (آن‌هم نه به شکل کامل) باقی می‌ماند.

فصل سوم با عنوان رمان فارسی بازهم کلی‌گویی و نقل قول در باب تاریخچه رمان فارسی است سپس توصیفی به اختصار درباره شخصیت پردازی در رمان‌های منتخب می‌دهد اما به دلیل گزینش رمان‌ها اشاره‌ای نمی‌شود ضمن آنکه این بخش در حد یک فصل نیست. فصل چهارم سیر هویت زن در رمان فارسی بررسی بسیار اجمالی و گزیده‌ای از هویت زن در رمان فارسی است که بازهم بیشتر متکی بر نقل قول است تا تحلیل. این دو فصل می‌توانست با هم ادغام شود.

از فصل پنجم که انتظار خواننده آن است به اصل موضوع پرداخته شود، شاهد دو دسته‌بندی هستیم: عوامل سنتی شخصیت پردازی زن و عوامل جامعه‌شناختی شخصیت پردازی زن. در بخش اول که از صفحات ۹۹ تا ۲۲۲ را در

برمی‌گیرد، بیشتر مباحث مربوط به خلاصه داستان و چگونگی ارتباط شخصیت زن با سایر شخصیت‌های داستانی است. مشکل این بخش آن است که متأسفانه چون تفکیکی صورت نگرفته و دسته بندی انجام نشده، بیشتر توضیحات نویسنده در حد کلیات، بررسی و توصیف باقی مانده است اما در برخی بخش‌ها به تحلیل هم می‌پردازد از جمله در صفحات ۱۲۳-۱۲۴ در *طوبا و معنای شب*، مقایسه‌ای میان *طوبا* و سایر شخصیت‌های زن داستان انجام می‌شود. این مطلب که شخصیت‌پردازی زنان، به‌ویژه شخصیت اصلی زن در هر داستان چه ویژگی‌هایی دارد، در تحلیل اغلب داستان‌ها مورد نظر نویسنده بوده است. به شیوه شخصیت‌پردازی نویسندگان نیز اشاره شده است؛ مثلاً در صفحه ۱۵۰ جزیره سرگردانی بیشتر از طریق گفتگو با شخصیت‌ها و کارکردهایشان آشنا می‌شویم یا در نیمه غایب در صفحه ۱۶۳ بیشتر عملگرایی شخصیت‌ها به چشم می‌خورد اما چنان‌که ذکر شد متأسفانه به دلیل فقدان رویه مشخص و دسته بندی شده در تحلیل داستان‌ها توصیف، غالب است. بخش عمده‌ای از مطالب این قسمت، بیان خلاصه و روند داستان و چند مورد تحلیل کوتاه است که بازهم در حد بیان مسائل سطحی باقی می‌ماند.

بخش بعدی که در واقع اصل کار این پژوهش است به عوامل جامعه‌شناختی شخصیت‌پردازی زن در رمان‌ها پرداخته است. در این بخش خوشبختانه تفکیکی صورت گرفته و قرار بر این است شخصیت‌های زن بر اساس موارد کلی زیر تحلیل شوند: «تحولات اجتماعی، گذرگاه سنت و مدرنیته، وقایع اجتماعی - تاریخی، نقش پذیری شخصیت در جامعه، برخورد شخصیت با افراد گوناگون، عوامل بازدارنده زن در جامعه و تقابل شخصیت درونی و شخصیت اجتماعی، حفظ هویت روایتی». ذیل هر عنوان، نویسنده سعی می‌کند کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت زن اصلی داستان را در قالب این عنوان بررسی کند. گرچه این طبقه‌بندی نسبت به فصول پیشین مزیتی محسوب می‌شود، نگارش نویسنده همچنان پرگویانه و توصیفی است. متأسفانه نظم منطقی یا تاریخی بر این دسته‌بندی حاکم نیست. بخش‌هایی از تحولات اجتماعی و وقایع اجتماعی - تاریخی همپوشانی دارند، در برخی موارد تعاریف و مفاهیم درست ارائه نشده است؛ مثلاً ذیل عنوان «نقش پذیری شخصیت در جامعه» بیشتر به جایگاه زن درون خانواده یا روابط عاشقانه پرداخته شده است (ر.ک. ۲۴۵-۲۴۷-۲۵۱-۲۵۳ و...). بسیاری موارد از جمله ارتباطات و دوستی‌ها می‌توانست ذیل «برخورد شخصیت با افراد گوناگون» قرار گیرد. کلاً دسته بندی غیر علمی است.

فصل ششم رابطه شخصیت و جامعه در رمان، خلاصه‌ای از فصول پیشین است و نکته تازه‌ای در آن به چشم نمی‌خورد. فصل هفتم، چند صدایی رمان بعد از انقلاب، ارزیابی شتابزده‌ای از موارد موفق یا ناموفق شخصیت‌پردازی در داستان است. این فصل به‌رغم دیدگاه توصیفی، خلاصه‌تر و مفیدتر از سایر فصول نگاشته شده است گرچه دیدگاه‌های نویسنده کماکان بیشتر ذوقی است تا مبتنی بر ملاک و معیار معین؛ مثلاً در باب رمان *نیمه غایب* می‌نویسد: «ساختار

روایت در نیمه غایب ساختار چند صداست و این البته خودبه‌خود آن را به نوعی چند صدایی تبدیل می‌کند و ظاهراً باید این رمان را به این شیوه نزدیک‌تر دانست تا رمان‌های دیگر را. با این حال شخصیت پردازی رمان آن‌قدر دقیق و ساخته و پرداخته نیست که قادر به خلق چند صدایی کامل باشد. شخصیت‌ها خودشان حرف می‌زنند اما بعضی وقت‌ها در حدی خودشان و دیدگاه‌هایشان را معرفی نمی‌کنند که آنها را «صدایی» در داستان به حساب بیاوریم. به هر حال کوشش نویسنده در این زمینه قابل توجه است» (عسگری ۱۳۹۵: ۳۰۷). در این بخش هم تعریف چند صدایی و معیارهای آن نامعلوم و ذوقی است و هم استدلال نویسنده.

در بخش نتیجه‌گیری و جمع‌بندی خلاصه‌ای از شخصیت پردازی زنان ارائه می‌شود و در سخن پایانی خلاصه‌ای از ابتدا تا امروز از وضعیت زن در رمان فارسی ارائه می‌شود.

کتاب، آموزشی نیست و مسائلی که در آن طرح شده بسیار پراکنده و با تکرار و اطناب بیان شده است. از این حیث که به شخصیت زن در رمان پس از انقلاب پرداخته، حائز اهمیت است اما تحلیل‌ها و تبیین‌های کتاب بر مبنای اصول علمی و روش‌مند انجام نشده است. تشتت نویسنده در تعریف مفاهیم و فقدان انسجام و روش مشخص در ارائه بحث از اعتبار علمی اثر کاسته است.

پیشنهاد می‌شود نویسنده محترم در صورت چاپ بعدی ویرایش دوباره‌ای انجام داده، از فصول نامرتبط بکاهند و در تحلیل‌ها روشمند و مبتنی بر اصول علمی گام بردارند. اثر در حد آشنایی با شخصیت زن در رمان پس از انقلاب مفید است و به پیوند میان شخصیت پردازی زن با تحولات اجتماعی نیز توجه کرده است اما از حد تأثیرهای اجتماعی بر رمان عبور نکرده است و با غلبه نگاه توصیفی، حرف تازه‌ای در این زمینه ارائه نکرده است.